



کنفرانس در پارلمان اروپا «ایران: چشم انداز تغییر و سیاست اتحادیه اروپا»

مریم رجوی: فراخوان به یک کارزار بین‌المللی برای توقف اعدام در ایران

۳ خرداد ۱۴۰۲

نمایندگان محترم!

از دیدار با شما نمایندگان ملت‌های اروپا که به دفاع از مبارزه مردم ایران برای آزادی و دموکراسی برخاسته‌اید، بسیار خوشوقتم. من در حالی با شما صحبت می‌کنم که رژیم ایران موج جدید و بی‌سابقه‌یی از اعدام را شروع کرده است. از ابتدای ماه مه تاکنون، ۱۶ زندانی اعدام شده‌اند. یعنی هر ۵ ساعت یک اعدام. من به این‌جا آمده‌ام تا به یک کارزار بین‌المللی برای توقف اعدام در ایران فراخوان دهم.

جمعه گذشته سه جوان زندانی قیام پس از ماه‌ها شکنجه در اصفهان اعدام شدند، رژیم برای ایجاد جو رعب و وحشت و جلوگیری از قیام به اعدام دست می‌زند. اما به‌رغم جو شدید سرکوب، مردم در تهران و شهرهای مختلف علیه این اعدام‌های وحشیانه، دست به اعتراض زدند. متأسفانه از سوی اتحادیه اروپا و کشورهای عضو ما با یک بی‌عملی مواجه هستیم. مگر مخالفت با اعدام یکی از پرنسپ‌های شناخته شده اتحادیه اروپا نیست؟ پس چرا وقتی به ایران می‌رسد، منافع اقتصادی و ملاحظات سیاسی، وضعیت وخیم حقوق بشری را به یک موضوع کاملاً فرعی تبدیل می‌کند؟

سرنگونی رژیم، خواست قیام‌کنندگان

من آمده‌ام که خواست قیام‌کنندگان و به‌طور خاص زنان ایران که علیه دیکتاتوری مذهبی به اعتراض برخاسته‌اند را تکرار کنم. مردم ایران برای سرنگونی دیکتاتوری دینی برخاسته‌اند، هر نوع استبدادی را رد می‌کنند و تا کسب آزادی و دموکراسی به نبرد ادامه خواهند داد.

قیامی که از شهریور گذشته آغاز شد، چند تحول مهم ایجاد کرده است: قطعیت روند سرنگونی

رژیم، به بن بست رسیدن حکومت آخوندها، جهش مقاومت سازمان یافته در داخل ایران و شکست شبه آترناتیوهای کاذب.

اجازه بدهید درباره هر یک از این تحولات به طور فشرده توضیح دهم:

یکی از مهم ترین عوامل قیام ها خشم و نارضایتی گسترده جامعه ایران است. این ظرفیت انفجاری به خصوص در رویارویی شجاعانه زنان ایران با این رژیم مشهود است. زنان ایران اکنون بیش از همیشه پیشتازی قیام کنندگان را برعهده دارند و جهان را مسحور دلاوری خود کرده اند. نسلی جوان شجاع و فداکار مصمم به سرنگونی این رژیم هستند.

شبها در تهران و سایر شهرها مردم از بام خانه هایشان شعار مرگ بر خامنه ای سر می دهند. هر جمعه در زاهدان، تظاهرات ضد رژیم برگزار می شود. علاوه بر این، اعتراض های سراسری معلمان، اعتصاب کارگران و تظاهرات بازنشستگان در سراسر کشور ادامه دارند.

بن بست حکومت آخوندی

تحول مهم دیگر، بن بست رژیم است. رژیم توان کم ترین رفرمی ندارد. چون باعث شکستن هژمونی خامنه ای و سقوط کل رژیم می شود. رژیم به اقدام هایی برای بقای خود دست می زند که نارضایتی را تشدید و آتش قیام را شعله ورتر می کند. در یک کلام، بازگشت به شرایط قبل از قیام ناممکن شده است. نتیجه این که سرنگونی رژیم به دست مردم و قیام و مقاومت سازمان یافته شان حتمی است.

این وضعیت دو بازتاب در درون رژیم داشته است اول: تشدید ریزش در بدنه رژیم، دوم، سربرداشتن مجدد مخاصمات درونی رژیم و شکست مهم ترین پروژه سیاسی سال های اخیر خامنه ای که انتصاب رئیسی، جلاد قتل عام ۶۷ به عنوان رئیس جمهور رژیم بود.

تحول مهم دیگر، ارتقای چشمگیر شبکه های اجتماعی است.

رژیم در تحلیل های درونی خود مجاهدین را گروهی ارزیابی می کند که «دارای اتحاد و تشکیلات منسجم اند»، «شبکه نفوذ در کشور، توان و سابقه مبارزاتی و توان اطلاعاتی بالا برای رد گم کردن سیستم های اطلاعاتی دارند؛ تنها سازمانی است که برای آترناتیو بودن برنامه دارد، در نتیجه هم برانداز است و هم مودی».

یک کمیته عالی برای مقابله با مجاهدین تشکیل شده است. از مجموع ۱۳ اداره کل وزارت خارجه روسای هفت اداره کل نیز در این کمیته شرکت دارند هدف آنها «اعتبارزدایی» از مقاومت ایران

است.

رژیم با پخش اطلاعات دروغ، هم مقاومت مشروع و عادلانه مردم ایران را هدف قرار می‌دهد و هم بنیادهای دموکراتیک و اطلاع رسانی بی‌طرفانه در اروپا را مخدوش می‌کند

شکست شبه‌آلترناتیوهای کاذب

تحول دیگر ناشی از قیام، شکست شبه‌آلترناتیوهای کاذب است به‌خصوص بقایای دیکتاتوری‌های شیخ و شاه. برخی تصور می‌کردند با پروپاگاندا گسترده می‌توانند این گونه باندها را رهبری قیام جا بزنند. اما شکست خوردند. در ایران یک جنبش دموکراتیک و سازمان‌یافته وجود دارد و ۱۲۰ هزار مخالف سیاسی برای آزادی جان خود را فدا کرده‌اند.

مردم ایران هرگز حاضر به بازگشت به دیکتاتوری پیشین که طی سالیان آن‌ها را سرکوب کرده با هزاران زندانی و اعدام سیاسی و یک نظام رسماً تک‌حزبی حاکم کرده بود، نیستند.

سیر تحولات قیام اثبات کرد که جنبش اعتراضی مردم به تنهایی برای سرنگونی رژیم کافی نیست. برای رویارویی با یک رژیم وحشی، به یک جنبش سازمان‌یافته متعهد نیاز هست. آلترناتیو این رژیم همان نیرویی است که شعله مقاومت را زنده نگاه می‌دارد و نقش کلیدی در سازمان دادن و گسترش اعتراضات دارد.

۱۹ سال پیش در جلسه‌یی در پارلمان اروپا گفتم: آخوندهای در تهران چنین القا می‌کنند که هر تغییر جدی، مستلزم جنگ خارجی است و گزینه‌یی جز مماشات وجود ندارد. اما من گفتم یک راه حل سوم وجود دارد: تغییر توسط مردم و مقاومت سازمان‌یافته ایران.

اکنون می‌خواهم تأکید کنم که این راه‌حل از دل قیام مردم ایران سر برآورده است. و هر کس می‌تواند واقعیت را ببیند. آلترناتیو واقعی، در دل یک نبرد طولانی خلق شده که نسل‌های پیاپی برای آن جان و زندگی خود را فدا کرده‌اند. شورای ملی مقاومت که دربرگیرنده عقاید گوناگون است، چهار دهه پیش در تهران تشکیل شد.

مقاومت ایران آنتی تز استبداد مذهبی

برنامه مقاومت ایران عبارت است از جمهوری، جدایی دین و دولت، آزادی‌های کامل فردی و اجتماعی، برابری زن و مرد، خودمختاری ملیت‌ها، لغو حکم اعدام، نظام قضایی مستقل، انحلال سپاه پاسداران، ایران غیراتمی و همزیستی و همکاری‌های بین‌المللی و منطقه‌یی. سازمان مجاهدین

در کانون این آلترناتیو معتقد به اسلام دموکراتیک و جدایی دین و دولت است و در نتیجه این مقاومت آنتی‌تز استبداد مذهبی است.

قرار دادن سپاه پاسداران در لیست تروریستی

امروز به‌طور گسترده پذیرفته شده که رژیم آخوندها به‌شدت تضعیف شده و توانایی‌ها و ذخائر استراتژیک خود را از دست داده است. اما از طرف دیگر ستیزه‌جویی‌هایش بیشتر شده است. چه در پروژه ساختن بمب اتمی و چه در صدور تروریسم و جنگ افروزی حتی تا قلب اروپا. این تناقض در رویکرد غرب به ایران محصول سیاست مماشات است. رژیم کراً صلح و امنیت جهان را هدف قرار می‌دهد و قوانین بین‌المللی را نقض می‌کند بدون این که هیچ قیمتی به‌خاطر آن بپردازد. بدتر از آن حتی امتیاز و مشوق هم گرفته است. هر ساعت تعلل در اتخاذ سیاست درست در مقابل استبداد مذهبی در ایران باعث اعدام بیشتر برای مردم ایران، گروگان‌های بیشتر برای جهان و پهنادهای بیشتر برای اروپاست. مقاومت مردم ایران اتحادیه اروپا را فرا می‌خواند که با تجدید نظر در سیاست قبلی خود نسبت به ایران اقدامات زیر را انجام دهد:

- قرار دادن سپاه پاسداران در لیست تروریستی.
- فعال کردن مکانیزم ماشه و بازگرداندن تحریم‌های مصرح در ۶ قطعنامه شورای امنیت علیه این رژیم.
- این رژیم را به‌عنوان تهدید مبرم صلح و امنیت جهان مشمول ماده ۴۱ فصل هفت منشور ملل متحد کند.
- به‌رسمیت شناختن حق مبارزه مردم ایران برای سرنگونی رژیم و نبرد مشروع جوانان ایران با پاسداران اشغالگر.
- در آخر از شما نمایندگان محترم می‌خواهم که از دولت‌هایتان بخواهید به کارزار بین‌المللی برای توقف اعدام در ایران بپیوندند و در کنار مردم ایران قرار گیرند.